

حشره ویرانگر

فرید امیری

بهورزخانه بهداشت بازارچنگریان
دانشگاه علوم پزشکی گیلان

گرم شود. با این تفصیل نمی‌دانم چرا آن زمان، شپش و رشک سر به این سرعت و هرچند وقت یکبار میان دانش آموزان شیوع پیدا نمی‌کرد.

راستش را بخواهید امروزه با وجود حمام‌ها و سرویس‌های بهداشتی در خانه‌ها باورش کمی سخت است که چنین مخاطراتی داشته باشیم.

به مدرسه که رسیدم و چهره نگران و پر اضطراب مدیر را که دیدم بدون فوت وقت به کلاس‌ها رفتم و تک تک دانش آموزان را معاینه و بررسی کردم. در هرکلاس چهار پنج نفری رشک سرداشتند.

مدتی پیش که معاینه‌شان کرده بودم در مدرسه فقط یک نفر آلوده بود که روز بعد با خانواده‌اش تماس گرفتم و آموزش‌های لازم برای مقابله با رشک سر و شپش را به آن‌ها دادم و دارو هم در اختیارشان قرار دادم. حالا این سؤال بود که چطور بقیه به این سرعت مبتلا شده‌اند؟ چشمم به جالباسی کوچک کلاس افتاد که ۱۵ دانش آموز، کت و کاپشن و... را کنار هم به آن آویزان کرده بودند! مدیر را صدا کردم و در حضور او برای دانش آموزان توضیح دادم که لباس‌هایشان را داخل کیسه یا پلاستیک قرارداد و بعد به جالباسی آویزان کنند که با هم تماس نداشته باشد. دانش آموزان آلوده را هم به دفتر مدرسه بردم و شامپو و دارو و دستورالعمل نحوه مصرف را در اختیارشان گذاشتم. با مادرانشان تماس گرفته و همه چیز را توضیح دادم. از اینکه گشتی در روستا زده و یک مشکل بهداشتی را حل کرده بودم، حالم خیلی بهتر شده بود اما مرکز بهداشت، میز کار شلوغ و کارهای نیمه‌تمام هنوز در انتظارم بودند....

اواخر اسفندماه بود و بهورزان درگیر تهیه گزارش عملکرد فصلی و شش ماهه دوم سال. من هم از این امر مستثنا نبودم.

شنبه بود و ارباب رجوع زیادی هم داشتم و میزکارم حسابی به هم ریخته بود. دلم می‌خواست در روستا چرخی بزنم تا کمی از این وضعیت آشفته دور شوم که در همین حال توفیق اجباری نصیبم شد. مدیر مدرسه روستا زنگ زد که: «آقا به دادمون برس...!» ظاهراً شپش و رشک سر میان بچه‌ها شیوع پیدا کرده و امانشان را بریده بود. با خودم گفتم کاش از خدا چیز دیگری خواسته بودم!

چند جفت دستکش و شامپو «پرمتین» برداشتم و راهی مدرسه شدم. یاد ایامی افتاده بودم که خودم در همین مدرسه درس می‌خواندم. با کمترین امکانات رفاهی و بهداشتی، چه در مدرسه و چه در خانه، برای یک حمام کردن ساده باید پدر و مادرم دیگ بزرگ آب را می‌گذاشتند وسط حیاط و زیرش را آتش می‌کردند تا

